

کتاب و عتاب

هشدارنامه‌ای در تحریف تاریخ حدیث
ماه‌ای برگشاده به دانشکده اصول دین دانشگاه الازهر؛
از بغداد به قاهره
(کتاب برگزیده‌ی حشوراه شیخ طوسی، حوزه علمیه قم، سال ۱۳۸۴)

نوشته:

شیخ قیس عطار

ترجمه:

عبدالحسین طالعی



انتشارات بنا

سرشناسه	: عطار، قیس
عنوان قراردادی	: کتاب و عتاب: رساله مفتوحه الی کلیه اصول الدین جامعه الازهر من بغداد
الی القاهره . فارسی	
عنوان و نام پدیدآور	: کتاب و عتاب: هشدارنامه‌ای در تحریف تاریخ حدیث، نامه‌ای سرگشاده به دانشکده اصول دین دانشگاه الازهر؛ از بغداد به قاهره / نوشته قیس عطار؛ ترجمه عبدالحسین طالعی.
مشخصات نشر	: تهران: موسسه فرهنگی نبأ، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۳۶۰ ص.
شابک	: ۱۸۰۰۰۰ ریال ۹-۶۵-۰۲۶۴-۶۰۰-۹۷۸:
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۳۳۱] - ۳۵۸.
موضوع	: شریینی، عماد . السنة النبویة فی کتابات اعداء الاسلام مناقشتها والرد علیها --
نقد و تقصیر	
موضوع	: شیعه -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها
موضوع	: Shi'ah -- Controversial literature
شناسه افزوده	: طالع، عبدالحسین، ۱۳۴۰ -، مترجم
شناسه افزوده	: شریینی، عماد . السنة النبویة فی کتابات اعداء الاسلام مناقشتها والرد علیها.
شرح	
رده بندی کنگره	: ۲۸/۲BP ش ۲/س ۲۱۶۰۹۸۰۱۳۹۵
رده بندی دیویی	: ۲۷۴/۴۷۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۲۴۳۱۶۹

کتاب و عتاب

هشدارنامه‌ای در تحریف تاریخ - -

نامه‌ای سرگشاده به دانشکده اصول دین دانشگاه الازهر از بغداد به قاهره

نوشته: شیخ قیس عطار

ترجمه: عبدالحسین طالعی

لیتوگرافی: ندا / چاپ: دالاهو / صحافی: صالحانی

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / قیمت: ۱۸۰،۰۰۰ ریال

ناشر: انتشارات نبأ

تهران: خیابان شریعتی، رویروی ملک، خیابان شبستری، خیابان ادیبی، پلاک ۲۶

فاکس: ۷۷۵۰۶۶۰۲

تلفن: ۷۷۵۰۴۶۸۳

ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۲۶۴-۰۶۵-۹

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۶۴-۰۶۵-۹

فهرست

.....	سخن مترجم	۷
.....	اهداء	۱۳
.....	پیش درآمد	۱۵
.....	فصل اول: اشکانه‌ی مومی	۱۹
.....	بخش اول: تناقض‌های فقهی از نقل‌های پراکنده و بی‌هدف	۲۱
.....	۱-۱. دیدگاه در مورد خلع	۲۲
.....	۱-۲. حدیث غدیر	۲۵
.....	۱-۳. در باره صحابه	۳۷
.....	بخش دوم: تفاوت میان حجیت سنت با آنچه سنت است	۴۷
.....	مروری بر احادیث عرضه حدیث بر قرآن	۴۹
.....	بخش سوم: منکران سنت عامه‌اند نه امامیه	۵۹
.....	بخش چهارم: ناآگاهی نویسنده از مبانی و دیدگاه‌های امامیه	۶۹
.....	۴-۱ ناآگاهی او به اتصال اسانید کتب اربعه	۶۹
.....	پاسخ به اشکال اول	۷۱
.....	پاسخ به اشکال دوم	۷۴
.....	۴-۲ جهالت شریینی نسبت به حجیت اجماع در نظر امامیه	۷۷
.....	۴-۳ ناآگاهی شریینی به برخورد عالمان امامیه با کتب اربعه	۸۳

۴ - ۴. نا آگاهی به دیدگاه امامیه نسبت به اصحاب	۱۲۳
شیعه و صحابه	۱۴۵
خلاصه بحث صحابه	۱۷۴
سخن پایانی فصل اول	۱۸۷
فصل دوم: اشکالات اختصاصی	۱۸۹
مقدمه	۱۹۱
۱. مدعای یکسانی روش صحابه و تابعین	۱۹۳
۲. مدعای شریینی بر اینکه تکذیب به معنای تخطئه است	۲۲۷
۳. انکار و مؤلف دو مکتب یا دو گروه و اشکال حدیثیه	۲۳۶
۴. شریینی میدان تاریخ و نگارش احادیث تفاوت قائل است	۲۷۴
۵. کسانی که مورد تمریر مصوم قرار گرفتند	۲۹۳
خلاصه کلام	۳۰۱
خاتمه فصل دوم	۳۰۲
فصل سوم: خاتمه	۳۰۳
سخن پایانی	۳۲۹
مراجع و مآخذ	۳۳۱

سخن مترجم

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت محمّد مصطفیٰ صلی الله علیه وآله در حالی به عنوان پایان بخش سلسله پیامبران الهی مأمور هدایت مردمان شد که مردم در جاهلیت به سر می بردند و بدان فخر می فروختند.

حضرتش با جهادی پیگیر و تلاش دشوار، به هدایت مردمان اهتمام ورزید. و در این راه، از همه گونه آسایش و راحت شغلی گذشت، تا تحوّل در انسان ها پدید آورد. آن گرمی، جان بر سر آرمان نهاد و به این هدف رسید، گرچه در سطح محدودی مانند سلمان ها و ابوذر ها و مقداد ها. از آغاز نبردها، رسیدن به کمیت نبود، بلکه محور اصلی پذیرش اختیاری هدایت الهی بود.

باری، بسیاری از مردم آن روزگار، دین را نه در ژرفای جان، که در ظاهر و زبان پذیرفتند. یعنی جسم خود را همراه با فرهنگ جاهلی که در جان نفوذ کرده بود، به فضای دوره اسلامی آوردند. در نتیجه، قبول هدایت پیامبر برایشان دشوار آمد، و به کوچکترین بهانه ها در برابر پیامبر رحمت ایستادند. بهره گیری اندک از آن معدن علم و منبع کرامت الهی، پیامد این عدم معرفت بود که آثار منفی خود را تا سده های بعد، در

منش و روش و فرهنگ مسلمانان نشان داد. سوگمندانه برخی از این گفتارها و رفتارها، به بهانه تفسیری از قرآن ارائه شد که خواسته و تمایل غلط درون بر آن غلبه داشت.

باری، خدای تعالی از روزهای حیات پیامبر، وظیفه سنگین تبیین قرآن را برای حضرتش نشان داد (نحل: ۴۴ و ۶۴) و از همگان خواست که پرسش‌های خود را به محضر - حضرتش و خاندان آن گرامی ببرند که «اهل الذکر» هستند. (انبیاء: ۷ و نحل: ۴۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در حدیث متواتر ثقلین، به عنوان وصیتی جاودانه، عترت را در کنار قرآن، به عنوان دو رشته توأمان به امت شناساند که اگر همواره با آن دو رشته هدایت همراه باشند، از ضلالت در امان بمانند و به گذشته جاهلی باز نگردند. تکرار این حدیث در مناسبت‌های مختلف، نشان از تأکید حضرتش بر این آموزه الهی داشت. و اشاء پناه را به اینکه در روز جزا، امت را در این مورد بازخواست می‌کند، تأکید دیگر بود.

پیامبر رحمت، در خطبه جاودانه غدیر نیز، بار دیگر به بیان این گونه گون، بر این حقیقت توصیه فرمود و راه هدایت را به شیواترین بیان به همگان شناساند.

اما گروهی از مردم به سوء اختیار خود، به این رهنمود خدای حکیم گردن نهادند و راهی دیگر برگزیدند. این کژراهه، مبتنی بر همان خواسته‌های نفسانی بود که می‌توانستند با ورود قلبی در اسلام، آن را کنار نهند، اما چنین نکردند و خود را از شاهراه سعادت محروم ساختند. سرنوشت تلخی که در انتظار حدیث بود، از همین نقطه انحراف رقم خورد و به عنوان میراثی سیاه برای آیندگان بر جای ماند.

در این مبنای غلط، ضابطه ارزیابی حدیث، نه قرآن حکیم و عقل سلیم، بلکه شهرت محدثان بود، شهرتی که در سایه زر و زور صاحبان قدرتهای ظالمانه برای آن دانشمند نمایان پدید آمده بود. بدعت‌هایی همانند تحریم سؤال و منع از اندیشه، حاشیه‌ای خلوت برای مروجان آن فرهنگ ناتمام زمینی پدید آورد تا آن را تفسیری از هدایت تمام آسمانی نبوی بنمایانند و دیگران را بدان طریق بخوانند.

یکی از ستاره‌های این رویکرد غلط به تاریخ حدیث، پایان نامه‌ای است که به سال ۱۹۹۹ میلادی در دانشگاه الازهر مصر از آن دفاع شد، با عنوان «السنة النبوية في كتابات أعداء الإسلام» که را آن نویسنده با ناپختگی و یکسویه بینی، نادانی خود نسبت به مبانی حدیث امامیه را نشان داده و با همان جهالت، به اظهار نظر پرداخته است.

نویسنده کتاب حاضر، استاد قیس بهجت الحارثی در کتاب «كتاب و عتاب» که عنوان فرعی «رسالة مفتوحة إلى كلية أصول الدين جامعة الأزهر، من بغداد إلى القاهرة» (نامه سرگشاده از بغداد به دانشکده اصول دین دانشگاه الازهر قاهره) به آن داده است، نقدی عالمانه از کتاب مصری ارائه کرده و مطالب آن را در دو بخش (اشکال‌های کلی و اشکال‌های اختصاصی) به چالش کشیده است.

لحن کتاب، گرچه هشدار می‌دهد که تمام کسانی که در این عرصه، بدون پژوهش کافی و دانش تمام قلم می‌زنند، ولی در ساختار آسمانی ادب و انصاف، دلسوزی خود نسبت به سرنوشت علم و تحقیق را در قالب کلمات خود نشان داده است. نقدهای

این کتاب، نه تنها نویسنده مصری را هدف گرفته، بلکه هر پژوهشگری را که بدین شیوه قلم زند، مخاطب خود می‌داند.

یک نکته: در این کتاب احادیث فراوانی می‌خوانید که بیشتر آنها از منابع تسنن نقل شده است. نقل آنها در راستای بحث مورد نظر بوده لذا فقط یک بخش از آن مورد اسناد بوده نه مورد قبول مؤلف یا مترجم. پس نقل این روایات به معنای اعتماد بر تمام مصنفین آنها نیست. بلکه هر کدام از آنها بطور جداگانه جای نقد و بررسی تفصیلی دارد که این کتاب جای آن نیست.

چون شأن این کتاب، احتجاج است نه تبیین. خوانندگان گرامی به این نکته کمال دقت را داشته باشند که مبتدیان نقل این متون تاریخی یا نصوص حدیثی را به معنای تأیید آنها بدانند. [شاید مقدمه‌ای به بر تاج. خلاصه عباقت چاپ نیا در ۲۵ صفحه آورده‌ایم در توضیح این نکته مفید باشد. و بتوان از آن استفاده کرد].

مترجم که تاکنون چند کتاب از این دانشور عراقی را به فارسی برگردانده است، بازگردان پارسی این کتاب را نیز وجهه همت خود گرداند. و بهترین لحظات ماه رمضان دو سال پیش را به آن اختصاص داد، از آن روی که «آن کتاب علم و دفاع از شیوه‌های صحیح آن، در شمار برترین عبادات جای دارد.

اکنون که «هشدار نامه» به انتشار نزدیک می‌شود، جبهه سپاس به درگاه خدای بی‌قیاس بر زمین می‌ساید که توفیق این خدمت را به او داد تا خوانندگان پارسی زبان را بر این خوان دانش و بینش بنشانند.

خاضعانه از خدای حکیم خواهانم که بهره معنوی این سفر آسمانی را تعجیل در ظهور امام موعود عجل الله فرجه قرار دهد، همان امام همام که جهاد سنگین تبیین صحیح رسالت خاتم پیامبران را بر عهده گرفته و همانند نیای والای خود، زدودن زنگار جهالت از ذهن مردمان را به عنوان یکی از بزرگترین دستاوردهای خروج و ظهور خود به جهانیان تحفه می آورد.

از خدای بزرگ می خواهم که نویسنده و مترجم و ناشر را مشمول دعای خیر حضرتش قرار دهد. دای خیر امام مهدی هادی صلوات الله علیه، نور هدایت خود را به تمام کسانی که در گرو حق دارند بتاباند. آمین.

عبدالحسین طالعی

عضو هیئت علمی دانشگاه قم

اسفند ۹۳

پیش در آمد

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد خدای راست، خداوندگار جهان‌ها، و درود و سلام بر سرور ما محمد و خاندان پاک، نه‌اش باد. و نفرین همواره بر دشمنان‌شان تا روز جزا.

یکی از دوستانم کتابی به عنوان امانت به دستم داد که از سفر عمره خود در ماه شعبان آورده بود. کتاب را گرفتم تا در شب‌های ماه رمضان بخوانم و شیوه‌های دشمنان اسلام در رویارویی با سنت پیامبر را بشناسم و از پاسخ‌های عالمان بدان آگاه شوم. بدان روی که از عنوان کتاب منهرست آن چنین مطالبی بر می‌آمد.

اما واقعیت چنان نبود که می‌پنداشتم، لذا انگار مطالعه به نقد بدل شد، زیرا هدفی را که نویسنده با عنوان کتابش ادعا کرده بر نمی‌آورد. چنین شد که یادداشت‌هایی در حاشیه نوشتم، نخست برای خودم، و سپس به گریه‌های برادران دادم تا نسبت به این تفاوت هشیار شوند.

اصل کتاب پایان نامه‌ای است که نویسنده به گروه حدیث نبوی در دانشکده اصول دین دانشگاه الازهر، تحت عنوان «السنة النبوية في كتابات اعداء الاسلام» تقدیم کرده؛ و در دو مجلد منتشر شده است.

سه تن از اساتید الازهر بر این پایان نامه نظارت داشته‌اند^۱، و به تاریخ

۱. این سه تن عبارتند از: دکتر شیخ اسماعیل عبدالخالق دفتار به عنوان استاد راهنما، و دکتر عبدالمهدی عبدالقادر به عنوان استاد داور؛ هر دو از گروه علوم حدیث دانشکده اصول دین قاهره. دکتر محروس حسین عبدالجوار به عنوان استاد داور؛ از گروه علوم حدیث دانشکده پژوهش‌های اسلامی.

۱۹۹۹/۴/۱۵ با درجه ممتاز آن را تصویب کرده‌اند.

با مرور کتاب، از دانشگاه محترم الازهر، و درجه‌ای که به چنین پایان نامه‌ای داده است، به شگفت آمدم. آنچه ما از الازهر می‌شناختیم، یکی از مراکز علمی با درجه بالا در عالم عربی و اسلامی بود که در سطوح متفاوت و مذاهب مختلف و زمینه‌های گوناگون، ثمره‌های نیکویی به امت اسلامی داده بود.

چرا به الازهر به رساله‌ای در زمینه علوم اسلامی درجه ممتاز می‌دهد، در حالی که سرشار از خطاهایی است که کوچکترین دانشجوی علوم دینی باید از آن دور باشد، چه رسد به استادانی که درباره سنت نبوی می‌نویسد و مطالعه تطبیقی میان دیدگاه‌های مختلف را ادعا می‌کند؟ چگونه نصوص کتاب و سنت را بدین گونه تفسیر می‌کند؟ و چگونه چنین امور بدیهی از دیده چنین استادانی دور مانده است؟

اگر شماره واسپاری ۸۵، ۱/۱/۲۰۰۱ به دارالکتب مصر نمی‌بود، می‌توانستیم ادعا کنیم که این کتاب را بیهوده به دانشگاه الازهر نسبت داده‌اند، زیرا سطح علمی آن هرگز با الازهر نسبتی ندارد.

در این فرصت کوتاه، فقط پاره‌ای از لغزش‌های این کتاب را یادآور می‌شوم تا گواهی بر صحت مدعایم باشد:

۱. در تقدیم نامه‌ای که استاد داور دکتر عبدالمهدی عبدالهادی نوشته، می‌خوانیم: «وكان نصيب القرآن والسنة كبير» (ص هفت) / صحیح ان: کبیرا.
۲. «نجد أن له امتداد يسري» (ص ۷۲، س ۱۱) / صحیح: امتدادا.
۳. «لتعرية دورهم الخطير في الطعن والتشكيك في الاسلام قرآن و سنة» (ص ۷۳، س ۵) / صحیح: قرآناً و سنة.
۴. «بغضهم و تكفيرهم و لعنهم صحابة رسول الله صلى الله عليه [و آله] الا نفر يسير» (ص ۸۷ س ۱۰) / صحیح: الا نفرأً يسيراً.
۵. «و استدلل بالحديث الاول قديما الشيعة الإثنى عشرية» (ص ۲۲۰، س ۱۹) /

صحیح: الإثنا عشرية.

۶. به خط سیاه درشت نوشته است: «و نسوق هنا نموذج من ذلك» (ص ۲۵۹ س

۱) / صحیح: نموذجاً.

۷. «و في نفس الوقت الكلّ (النبي واصحابه والتابعين)» (ص ۲۸۶، س ۱۸) /

صحیح: والتابعون.

۸. «ليس في ذلك إبطال لإعجاز القرآن، بل حفاظاً» (ص ۲۹۱ س ۱) / صحیح:

بل حفاظ.

۹. «كما املی النبی كثير من سنته» (ص ۲۹۱، س ۱۷ و ۱۸) / صحیح: كثيراً.

۱۰. «وكان انتهى امر مع الخوف» (ص ۲۹۱ س ۲۰) / صحیح: دائراً.

۱۱. «و في ذلك يقره ابو سعيد الخدري» (ص ۲۹۲ س ۲۰) / صحیح: ابو سعيد

الخدري.

۱۲. «تدويناً عاماً في مكان واحد من ابوبكر الصديق، و تردد ابوبكر» (ص ۳۰۵

س ۶) / صحیح: ابی بکر (در هر دو مورد)

۱۳. «إن تردد ابوبكر وزيد» (ص ۳۰۵ س ۲۹) / صحیح: ابی بکر.

۱۴. «فاصحابه أجمع و على رأسهم الخلفاء الراشدين» (ص ۳۰۹ س ۱) /

صحیح: الراشدون.

۱۵. «و منع من ذلك الجبائي و ابی هاشم» (ص ۳۱۶ س ۲) / صحیح: ابو هاشم.

۱۶. «زاعمين أن الإمام علي» (ص ۳۲۸ س ۷) / صحیح: أن الإمام علياً.

۱۷. «و إذا كان هذا موقف إجتهادي» (ص ۳۲۸ س ۱۱) / صحیح: موقفاً اجتهدياً.

۱۸. «بأنّ نهى عمر عن الإكثار من الرواية كتماناً» (ص ۳۴۱ س ۱۸) / صحیح:

كتمان، یا: كان كتماناً.

۱۹. «أما اهل السنة و في مقدمتهم ابی بکر» (ص ۳۴۷ س ۹ و ۱۰) / صحیح:

ابو بکر.

۲۰. «حفاظاً لکتاب الله زمن أبو بکر» (ص ۳۵۴ س ۶) / صحیح: ابی بکر.
۲۱. «غلاة الشيعة الزاعمين أنّ أهل السنة وفي مقدمتهم ابی بکر» (ص ۳۵۴ س ۹ و ۱۰) - صحیح: ابوبکر.
۲۲. «وهذا لا يعارضه ما روى أنّ ابی هريرة» (ص ۳۵۷ س ۲) - صحیح: اباهريرة.
۲۳. «لأنّ الحفظ وإن كان خوان وضعيف» (ص ۳۶۶ س ۱۰ و ۱۱) - صحیح: خوانا و معيفا.
۲۴. «بل كان له تحقيقا لما هم به ابیه عبدالعزيز» (ص ۳۶۸ هامش ۵) - صحیح: ابوه.
۲۵. «الجواب على ما ينهيه بعض الرافضة أنّ أهل السنة وفي مقدمتهم ابی بکر» (ص ۳۷۰) - صحیح: ابوبکر.
۲۶. «لکان ذلك القول تكذيب» (ص ۳۷ س ۱۸) - صحیح: تکذیبا.
۲۷. «و كثيرا ما كان التابعون و أتباعهم يتذكرون الحديث، فتذاكروا ما عرفوا و يتركوا ما أنكروا» (ص ۴۱۵ س ۶) - صحیح: میاخذ و یترکون.
۲۸. «بأنّهم بعيدین عن الإسلام» (ص ۴۲۷ س ۱) - صحیح: بعیدون.
۲۹. «فقد مرّ موقف ابوسعید الخدری» (ص ۴۳۵ س ۱۸) - صحیح: ابی سعید الخدری.
- اینها قطره‌ای از دریای خطاهای نحوی این پایان نامه است که نمی‌توان آن را از یک رساله پایان نامه تصویب شده دانشگاه الازهر انتظار داشت.
- از دیدگاه درونمایه، نکات زیادی در این کتاب دیده می‌شود که تنها به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود. این نکات در دو باب تحت عنوان اشکالهای عمومی و اشکالهای خاص یاد می‌شود. و پایان بخش کتاب، خاتمه خواهد بود.